

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام موسسه : امام حسین (ع)

ناحیه آموزش و پرورش : ناحیه ۲

نام شهرستان : نیشابور

مدرسه : امام حسین (ع)

(پنجمین جشنواره علمی پژوهشی تا ثریا)

عنوان پژوهش : نقش اسلام در سبک زندگی و تاثیر آن در امنیت اجتماعی

دبیر راهنما : جناب آقای سعدآبادی

پایه و رشته تحصیلی : دهم تجربی

نام پژوهشگران : عرفان بیگی و سجاد شادمهری

سال پژوهش : ۹۸-۹۹

تقديم به:

سردار دلها سردار حاج قاسم سلیمانی

چکیده

در بین تمامی موجودات زنده انسان تنها موجودی است که دارای فرهنگ است، چون متفکر و ناطق است از این رو انسان ها تمدن ساز و فرهنگ پرورند. فرهنگ را بیشتر جنبه های معنوی انسان و جامعه و تمدن را به جنبه های مادی اطلاق می کنند؛ به عبارتی فرهنگ در ماست و تمدن در بازار ماست. تمدن اسلامی به لحاظ دوران شکوفایی و اقتدار و دستاوردهای شگرف علمی و فرهنگی در سرلوحه تمدن های بزرگ بشری قرار دارد. این تمدن با بعثت حضرت رسول اکرم(ص) پایه گذاری شد و روزه روز گام های تکاملی خود را در حرکتی شتابنده با موفقیت برداشت. آموزه های اسلام علاوه بر این که تاکید فراوان بر امور شرعی و اخلاقی دارند اما درنهایت همه دستوراتش به نظم، اخلاق مداری، مشارکت، امنیت ختم می شود. در این پژوهش محقق قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که اسلام و آموزه های دینی به چه صورتی بر زندگی مردم تاثیرگذار خواهد بود و چگونه یک جامعه امن و منظم را به ارمغان خواهد آورد؟ لذا براین اساس محقق با تعریف مفهوم دقیق از دین اسلام و کالبد شکافی دستورات آن در زندگی فردی و اجتماعی به این نتیجه می رسد که با پیاده کردن آموزه های اسلامی در زندگی خود نه تنها زندگی شخصی متعادل و پرمعنی خواهیم داشت بلکه نتیجه و خروجی آن در زندگی اجتماعی و جامعه، امنیت، نظم و مشارکت را نیز در پی خواهد داشت.

کلید واژه : سبک زندگی، مولفه های سبک زندگی اسلامی، نظم، امنیت اجتماعی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
۸	اهداف
۹	فرضیه
۱۰	متن تحقیق
۱۰	امنیت اجتماعی
۱۴	مولفه های سبک زندگی اسلامی
۱۹	دین، نظم و امنیت اجتماعی
۲۰	راهبردهای تحقق سبک زندگی دینی
۲۲	نتیجه گیری
۲۳	پیشنهادات
۲۴	منابع

مقدمه

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. زندگی، بر اساس انتخاب‌ها شکل می‌گیرد و مجموعه انتخاب‌های هر فرد، سبک زندگی خاصی را برای او رقم می‌زنند. این انتخابها، خود ریشه در بینش، اعتقادات و تمایلات فرد دارند که این سه نیز، خود در بستر وسیعی از عوامل شخصی و اجتماعی نضج می‌گیرند سبک زندگی به عنوان مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می‌کند؛ و از آن جایی که هیچ کدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابراین، می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تا کنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی خود برخوردار بوده‌اند. به زعم دانشمندان علوم اجتماعی در یک قرن گذشته، شرایط جدید کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و همچنین فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از اقشار جامعه، نشانه‌ای از تحول عمیق اجتماعی و فرهنگی بوده و این شرایط نوین، الگوهای رفتاری تازه‌ای را می‌طلبد که می‌توان آن‌ها را در قالب عنوان کلی سبک زندگی مورد بررسی قرار داد. حاصل این رویکرد نیز خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی خواهد بود که خاستگاه آن روشن است که پذیرش منفعلانه این گونه از الگوهای رفتاری، برای جوامع مسلمان که خود در پرتو فرهنگ سکولار غربی و عقبه معرفتی آن است. آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نبوده و باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند. به ویژه آن که در چند دهه اخیر ناکارآمدی تمدن سکولار غربی در پاسخ‌گویی به نیازهای چندبعدی انسان آشکار گردیده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه‌های افول و فرود این تمدن را نمایان ساخته است. تجربه تاریخی بشر نیز نشان داده که وقتی یک تمدن به پایان راه خود می‌رسد، زمینه مناسبی برای شکوفایی تمدن‌های دیگر فراهم می‌شود و جامعه بشری که معمولاً در برابر تغییر و تحول ژرف اجتماعی مقاوم است، در چنین وضعیتی با رضایت خاطر از دگرگونی و جایگزینی استقبال می‌کند. تمدن اسلامی به لحاظ دوران شکوفایی و اقتدار و دستاوردهای شگرف علمی و فرهنگی در سرلوحه تمدن‌های بزرگ بشری قرار دارد. این تمدن با بعثت حضرت رسول اکرم (ص) پایبنداری شد و روزبه‌روز گام‌های تکاملی خود را در حرکتی شتابنده با موفقیت برداشت. در پرتو چنین فرصتی می‌توان با تکیه بر غنا و تعالی آموزه‌های اصیل اسلامی، این جایگزین را که همچون گنجینه

ای پربها و برگرفته از میراث آسمانی اسلام نزد ما مسلمانان نهفته است، هم خود بهتر بشناسیم و هم به جهانیان معرفی کنیم.

اهداف

اینکه مردم با آداب زندگی آشنا شوند و با فهمیدن شیوه زندگی مردمان گذشته بتوانند برای رسیدن به زندگی بهتر گام بردارند.

فرضیه

تأثیری که اسلام بر روی سبک زندگی مردم و امنیت اجتماعی می گذارد همیشگی است.

متن تحقیق

امنیت اجتماعی

امنیت واژهای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهمترین مسائل بین دولت ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است و نخستین و مهم ترین شرط زندگی است. جامعه ای می تواند شکوفا و سعادت مند و برخوردار از تمدن بزرگ شود که در «امنیت»، اجتماعی امنیت و آرامش به سر برد و از دزدی ها، راهزنی ها، بی بند و باری ها، مواد مخدرها، جنایت ها، ناهنجاری ها، تنش ها و هرج و مرج های سیاسی داخلی و بین المللی به دور باشد. ابراهیم خلیل پس از بنای کعبه، نخستین (ابراهیم، ۳۵) «رباجعل هذا البلد آمنا» خواسته خود از خدا را، مسئلت امنیت برای مردم آن سرزمین قرار داد به همین جهت سخت ترین مجازات ها و کیفرها در قوانین اسلام، برای کسانی در نظر گرفته شده که امنیت جامعه را به خطر می اندازند؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خدا مقدور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکرو نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف های اجتماعی (مکارم شیرازی/ج/ ۱۰ ص ۸۴). امنیت اجتماعی را می توان به عنوان ایمنی خاص مردم تعبیر کرد این مفهوم دو وجه قابل تفکیک دارد. در یک وجه امنیت اجتماعی در قالب ایمنی خاطر یک شهروند به عنوان نماینده تمامی مردم مورد بررسی قرار می گیرد. در این بررسی امنیت اجتماعی یک جامعه (یک کشور، یک شهر و یا یک محله) بر اساس میزان رضایتمندی و آرامش خاطر یک عضو نمونه آن جامعه بررسی و ارزیابی می شود. در این نوع مطالعه، جامعه مجموعه ای همگن تلقی شده و از تفاوت ها، نابرابری ها و ناهمگن یهای درون جامعه صرف نظر م ی شود و وجه دوم امنیت اجتماعی به تعامل افراد جامعه با یکدیگر نظر دارد. در این بعد، رابطه مردم یک جامعه با دولت، نهادها و مردم دیگر جوامع امنیت اجتماعی توانایی جامعه «مدنظر م یباشد. اما بصورت اجمال می توان امنیت اجتماعی را چنین تعریف کرد برای حفظ هویت، منافع و ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات و نیز توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش ها و آرمان های جامعه است سبک زندگی دینی سبک زندگی هر فرد و جامع های متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه است براین اساس در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر این که دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش های اشخاص درهر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان دهنده کم و کیف چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، : نظام

باورها و ارزش های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲) و علاوه بر این که پشتیبانی جدیدترین دیدگاه های مطرح در این عرصه را به همراه دارد (بوردیو، ۲۸۳، ۱۳۹۰)

120 از قابلیت خوبی برای بومی سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضائات جامعه (۳۳۷ ؛ گیدنز، ۱۳۸۷) اسلامی برخوردار است. تمرکز اندیشمندان بر شاخص هایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای تمرکز بر علاقمندی ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت، نشان دور می زند « سلیقه » دهد که مطالعات سبک زندگی حول یک محور عمومی با عنوان کلی سلیقه، یک امر ذهنی است که در قالب تمایلات و ترجیحات رفتاری انسان جلوه گر شده و بدین (۱۳۹۶:۲۱۶ مهدوی کنی) ترتیب، فرهنگ و اجزای آن که امری کلی و عمومی به شمار می آید، در پرتو این تمایلات و ترجیحات برآمده بدین ترتیب می : از سلیقه، فردیت پیدا کرده و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می کند (بوردیو، ۱۳۹۰:۹۳)؛ اما روشن است که توان فرهنگ یا خرده فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی دانست (فاضل قانع، ۱۳۹۰:۱۸۰) خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهم ترین این عوامل، دین و آموزه های وحیانی است.

آموزه های دین به عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزش ها و هنجارهای لازم برای جهت دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی است. در واقع، محدود نکردن دین به فهمزمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسان ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می شود که دین و آموزه های وحیانی آن می تواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه طولی، دین، فرهنگ جامعه را شکل می دهد؛ و فرهنگ نیز به نوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می کند؛ که خود به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می آورد؛ و البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه های دینی یاری رسانده و تمایلات و ترجیحات برآمده از فرهنگ دینی را بارور می سازد. بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه های اجتماعی بسنده می کنند، با الهام از روش های برگرفته از آموزه های دینی می توان گامی فراتر از توصیف نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه های اسلامی موجود است، چارچوبی ارائه نمود که در محدوده آن، به تجویز نیز پردازیم؛ یعنی با دخالت دادن مجموعه ای از باورها و ارزش ها، به ترسیم و شکل گیری سبک خاص زندگی کمک نماییم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه ای است که از سوی پیامبران الهی پی گیری شده است؛ آنان از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می گرفتند تا آن ها با

رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام نمایند. اما این که آموزه های اسلامی را به عنوان معیار در نظر می گیریم و درصدد تجویز مفاهیم و شاخص های برگرفته از آن بر می آییم، مبتنی بر این پیش فرض اساسی است که جامعیت دین اسلام، همه ابعاد و زوایای زندگی انسان را در بر گرفته و او را همواره در انتخاب مسیر درست زندگی یاری می کند. همین جامعیت باعث می گردد تا سبک زندگی دینی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری واحد ندانسته و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک های متعددی را بپذیریم. سیره عملی پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می دهد که ایشان، اختلاف سبک را می پذیرفتند. پس ارزش ها و نگرش های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی انجامد؛ و با توجه به ویژگی انتخاب گری که در سبک زندگی وجود دارد، می توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه های دینی را که در چارچوب معین شده از طرف دین قرار داشته باشد، یک سبک زندگی دینی به شمار آورد.

مهم آن است که در فرآیند تعامل تمایلات و منابع، ۵ از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه های مرجع بسیار کارگشا خواهد بود. ۶ گروه های مرجع دارای دو کارکرد اصلی هستند: اول آن که هنجارها، رویه ها، ارزش ها و باورهایی را به دیگران القا می کنند؛ و دوم آن که معیارهایی را در اختیار کنش گران قرار می دهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰) با توجه به این نقش بی بدیل، در فرهنگ اسلامی و به ویژه در آموزه های قرآنی به افراد و گروه های خاصی به عنوان الگوی زندگی اشاره گردیده که در رأس آن ها پیامبر اسلام به عنوان برترین اسوه معرفی شده است (احزاب/ ۲۱). به تعبیر دیگر، سبک زندگی هر کسی متأثر از اهداف یا هدف غایی او است. هدف غایی و نهایایی هر کسی به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر فرد الزام می کند؛ یعنی کسی که تقرب به خدا و لقاء الله را هدف نهایایی خود می بیند، همه شؤون زندگی خود را، از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می دهد و به عبارت دیگر به همه جزئیات زندگی خود صبغه الهی می بخشد. اسلامی بودن در حیات « عبودیت الهی » آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی بتواند بستر ساز توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری « : انسانی باشد. براین اساس مقام معظم رهبری در این باره می فرماید نیست؛ بلکه یک روش زندگی برای انسان هاست..... لاله الاالله که پیام اصلی پیغمبرما و همه پیغمبران است به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و درانتخاب روش های زندگی، قدرت های طاغوتی و شیطان ها نباید دخالت کنند. اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند دنیای بشر هم آباد خواهد شد، دنیایی در نظام

های توحیدی شیوه زندگی خاصی را نیز به دنبال خواهند (۸۲/۷/۲) خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان داشت. حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۸ دی ماه سال ۱۳۵۷ زمانی که هنوز در پاریس در تبعید به سر می برد، در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه تایمز لندن که درباره باورها و اعتقادات امام و مردم ایران سؤال کرده است، بیانی دارد که نقش توحید در نظام سازی های مختلف اجتماعی را به خوبی نشان می دهد و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید، که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد؛ و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید. و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است. همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان هاست و بنابراین بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می کنند قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت های استبدادی و استعماری آغاز می شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می گیریم که همه انسان هادر پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان ها و این کهن ها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می زند و امتیازات پوچ و بی محتوا را در جامعه حاکم می سازد باید مبارزه کرد. البته این آغاز مساله است و بیان یک ناحیه محدود از این اصل و اصول اعتقادی ما؛ که برای توضیح و اثبات هر یک از بحث های اسلامی، دانشمندان در طول تاریخ اسلام کتاب ها و رساله های مفصلی نوشته اند (امام خمینی. ۳۸۷:۱۳۵۷).

مولفه های سبک زندگی اسلامی

۱- زهد و پارسایی

نبی گرامی اسلام(ص) در زندگی خویش الگوی زهد در دنیا بوده و از لذایذ دنیوی روگردان بود و زهد آن حضرت از دلایل صدق نبوت وی بود. دنیا به آن بزرگوار -به ویژه پس از فتح مکه - روآورده بود ولی شیوه حضرت در خوراک و پوشاک و اثاثیه منزل تغییر نکرد.

۲- عبادت حضرت

یکی از بزرگ ترین مظاهر عبادت آن حضرت این بود که در کلیه حالات، تسلیم الهی بوده و رو به سوی او داشت و کسی که با تسلیم در برابر حق، رو به سوی خدا آرد، بهترین و برترین مظاهر دیانت را به منصف ظهور گذاشته است.

وجهه لله وهومحسن. << >>ومن أحسنُ دیناً ممن أسلمَ خدای سبحان فرمود:

پیامبر اسلام(ص) بیش از دیگران به عبادت می پرداخت. عشق و علاقه به عبادت در ژرفای قلبش جای گرفته بود. وی با خدا مرتبط بوده و خویشتن را در راه او فانی ساخته بود و عبادت و پرستش خدا جزئی از هستی او را تشکیل می داد.

۳- تقسیم وقت

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در خانه اوقات خود را به سه بخش تقسیم می کرد: بخشی برای « خدا ». در این بخش به عبادت و نماز و تهجد می پرداخت. بخشی برای خانواده و گفتگو و انس گرفتن با آنان و تأمین نیازهای روحی و عاطفی و ... بخشی هم برای خود و مردم چون در اوقات حضور آن حضرت در خانه نیز، مراجعین با وی کار داشتند.

۴- هم غذایی با اهل خانه

اینکه کسی تنها غذا بخورد، یا حاضر نباشد افراد خانواده و خدمتکاران، با او بر سر یک سفره بنشینند و غذا بخورند، اخلاقی جاهلانه است و نشان از روحیه استکباری می دهد. اولیای خدا، متواضعانه با اهل خانه و خادمان

هم غذا می شدند و بر سر یک سفره می نشستند. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) همه رقم غذا می خورد و نسبت به نوع غذا و کیفیت طبخ، ایراد نمی گرفت و از آنچه خدا حلال کرده است، همراه با خانواده و خدمتکاران غذا می خورد، آن هم نشسته بر زمین، چه در خانه خود و چه در میهمانی، از هر چه آنان می خوردند و در هر چه و بر هر چه آنان طعام می خوردند. اگر مهمان می آمد همراه با مهمان طعام می خورد. محبوبترین غذا و سفره در نزد او، آن بود که افراد بیشتری سر سفره نشسته باشند.

۵- رختخواب ساده

ساده زیستی، در همه مظاهر زندگی آن حضرت آشکار بود. رختخواب او پوستی بود که داخل آن لیفه و پوشال خرما پر شده بود. بالش او نیز چنین بود. زیراندازش یک عبا بود، که گاهی هم آن را دولا می کرد و بر آن می نشست و یا می خوابید. اغلب بر حصیری می خوابید و جز آن، زیر آن حضرت چیزی نبود و چون به رختخواب می رفت، به پهلو راست می خوابید و دست راست خود را زیر صورت راست خود قرار می داد.

۶- خواب و بیداری

به فرموده امام باقر(علیه السلام) رسول خدا(صلی الله علیه وآله) هرگاه از خواب برمی خاست به سجده در پیشگاه خدا می پرداخت. هنگام خواب، مسواک را بالای سر خود می گذاشت. همین که بیدار می شد، شروع می کرد به مسواک زدن ... هر شب، سه بار مسواک می زد: یک بار قبل از خواب، یک بار وقتی از خواب برای نماز شب بیدار می شد، و یک بار هم وقتی که می خواست برای نماز صبح، از خانه به مسجد برود. چون بیدار می شد می فرمود: <<حمد خدایی را که پس از مرگم مرا زنده کرد. پروردگرم آمرزنده و شکور است.>>

۷- خنده رویی

لبخند، محبت می آورد و کدورت را می زداید. از این شیوه محبت آور، رسول خدا فراوان استفاده می کرد. اغلب خندان و متبسم بود، مگر آنگاه که قرآن فرود می آمد، یا در حال وعظ و پند دادن بود.

۸- ادب در برخورد

حالت و گفتار هر کس در اولین لحظه برخوردش با مخاطبان آینه ای است که درون را نشان می دهد. سلام گفتن و دست دادن و مصافحه کردن، نشان ادب، تواضع و حسن خلق است.

۹- تفقد و احوالپرسی

آگاهی «پیشوا» از حال و وضع «پیروان» و خبرگیری از مشکلاتشان و سر زدن به خانه هایشان نیز اسباب نفوذ در دلهاست. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از یاران خود غافل نمی ماند و رابطه ها را همچنان زنده و قوی نگاه می داشت.

۱۰- مردمی زیستن

آنچه آن حضرت را به مردم نزدیک می ساخت و با او احساس «خودی» می کردند، رفتار مردمی و اخلاق متواضعانه و دور از تکلف او بود. با آنکه از نظر فکر، علم، عصمت، پاکی و فضایل روحی و معنوی، در سطحی بالاتر از مردم بود و افراد عادی باافق معنویت و کمال وجودی او فاصله های بسیار داشتند، اما نحوه معاشرت و برخورد رسول خدا(صلی الله علیه و آله)مردمی بود، هم در حرف زدن در سطح مردم سخن می فرمود، هم در معاشرت، با توده خلق الله، خود را هم افق می ساخت.

۱۱- مراعات حال دیگران

بود، این رأفت و رحمت، «رؤوف و رحیم» رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مظهر رأفت الهی و نسبت به مؤمنان در موارد بسیاری از رفتار و سیره اش متجلی بود، حتی در نماز و خطبه و سخنرانی.

۱۲- روحیه بزرگواری

این که انسان، از خطای دیگران در گذرد، عذرخواهی افراد را بپذیرد، کسی را بر لغزش هایش سرزنش و ملامت نکند، خواسته کسی را رد نکند، به سخن چینی و ذکر معایب دیگران گوش ندهد، دست و دل باز و اهل جود و کرم باشد.

۱۳- صبوری و تحمل

در مدیریت اجتماعی و اخلاق معاشرت، صبر بر جفاها و تندی ها و صبوری در برابر ناملایمات و حرف های خشن دیگران، از عوامل عمده موفقیت است. حضرت رسول(صلی الله علیه و آله)این خصلت ها را در اوج خود دارا بود.

۱۴- بی تکلف

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در مجالس، جای خاصی را برای خویش تعیین نمی کرد. هر جا که بود بود می نشست و یاران را نیز به همین مسأله فرمان می داد. روی زمین می نشست و روی زمین غذا می خورد.

۱۵-جلوس مؤدبانه

نحوه نشستن در حضور دیگران، فرهنگ و تربیت انسان را نشان می دهد. پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) بیش از همه ادب اجتماعی را مراعات می کرد. هرگز دیده نشد که پای خود را در حضور دیگران، دراز کند.

۱۶-حفظ حریم ها

به روایت امیر المؤمنین(علیه السلام): مجلس پیامبر، مجلس بردباری، شرم و حیا، صدق و امانت بود، سر و صدا و فریاد در آن مجلس شنیده نمی شد، حرمت افراد مورد هتک قرار نمی گرفت، و در پی لغزش دیگران و عیب جویی از آنان نبودند، همه اهل پیوند و صفا و ارتباط بر محور تقوا بودند، بزرگان و سال خوردگان مورد تکریم و احترام قرار می گرفتند.

۱۷-رسیدگی به مشکلات

محضر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) جلسه طرح نیازها از سوی مردم و پاسخگویی و اجابت از سوی آن حضرت بود. از این رو از با برکت ترین مجالس محسوب می شد. وقتی کسی در خدمت پیامبر بود و نیاز و کار را مطرح می کرد، آن حضرت آن قدر تحمل می کرد و گوش می داد تا سخن او به پایان برسد. اگر در توانش بود، حاجت او را برمی آورد، وگرنه با گفتاری دلنشین او را خرسند می ساخت. آن قدر تحمل نشان می داد که طرف برخیزد و برود، نه اینکه پیامبر، کلام او را نیمه کاره رها کند و در پی کار خویش رود.

۱۸-احترام به دیگران

پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) سعی می کرد در حضور او حرمت اشخاص حفظ شود و احساس کرامت و عزت کنند. یکی از نمادهای این حرمت گذاری، مراعات حال تازهواردین و جادادن به آنان است.

۱۹-فروتنی آن بزرگوار

پیامبر(ص) در زندگی خویش منتهای تواضع و فروتنی را از خود نشان داد. در باب رفتار رسول خدا(ص) آمده است که آن حضرت در آخر مجلس می نشست و در مورد هر یک از افرادی که با او نشستند به گونه های یکسان برخورد می کرد که شخص تصور نکند دیگری که در مجلس نشستند از او بیشتر مورد احترام پیامبر است.

۲۰- مردم داری

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به تشییع جنازه می رفت و در دورترین نقطه شهر « مدینه » به عبادت مریض می پرداخت.

۲۱- کمک در خانه

از فضایل یک انسان خودساخته، آن است که در کارهای خانه، به همسر خود کمک کند چه در نظافت خانه و وسایل، چه در امور طبخ و خوراک و چه هر کار دیگری. پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) در خانه، کفش و لباس خود را وصله می کرد، در را می گشود، شیر گوسفند و شتر را می دوشید، همراه خادم خانه گندم آرد می کرد و اگر خدمتکار خسته می شد، به او کمک می کرد و وسایل وضوی خویش را خود برمی داشت و می گذاشت.

۲۲- بلاغت و حکمت

رسول اکرم(ص) فصیح ترین فرد عرب بود و با عباراتی شیوا و واضح و به شیوه ای جامع و سرشار از حکمت و به دور از ابهام سخن می گفت. سخنان آن حضرت به گون های ساده و روشن و بی زیادت و کاستی بود که هر کس با او می نشست، سخن او را حفظ می کرد. پیامبر خدا(ص) جز به حق دعوت نمی کرد و حکیمانه سخن می گفت. سخنان حکمت آمیزی که با شیوه ای بلیغ در دل ها راه می یافت و با سخنان غیر بلیغ تفاوت داشت و از همین رهگذر است که سخنان رسول اکرم(ص) در قوم او تأثیری ژرف داشت که این گونه تأثیر در سخنان دیگران نبود.

۲۳- رأفت و مهربانی

رأفت و مهربانی پیامبر خدا(ص) در دفع ضرر و زیان از مسلمانان و جلب منافع آنها تجسم یافته بود مهربانی و عطوفت پیامبر(ص) تا آنجا گسترش داشت که به حیوانات بی زبان هم رسیده بود. وی به حیوانات مهربانی می کرد و سفارش می فرمود که با آنها مهربانی کنند.

دین، نظم و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی دارای اهمیت و نقش بسیار حساسی در ابعاد مختلف زندگی انسان است و نیاز به امنیت هم از قدیمی ترین و عمیق ترین نیازهای انسانهاست به طوری که انسانها در هیچ برهه ای از زمان برای تأمین امنیت بی تفاوت نبوده اند و چه بسا جامعه هزینه های زیادی را برای تأمین امنیت و آرامش تحمل نماید. امنیت گذشته از اینکه فی نفسه یکی از ضروری ترین نیازهای بشر است بلکه عامل مهمی برای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. دین اسلام نیز برنامه ی کامل و جامع را برای هدایت بشردرقران کریم طراحی و برنامه ریزی کرده است. از این رو دین نقش مهمی در ایجاد نظم اجتماعی دارد و می توان در چارچوب احکام و قواعد اسلام از بروز انحرافات اجتماعی و بحرانهای ناشی از آنها موجبات آسایش و آرامش انسان را در زندگی فردی و اجتماعی فراهم آورد. دین از مظاهر رحمانیت خداوند برای هدایت بشر است و دینداری رویکرد به این مسیر الهی است. برای شناخت دیدگاه اسلام در مورد اهمیت امنیت رجوع به منابع اولیه اسلامی از بهترین راه هاست، اولین و مهمترین منبع معارف اسلامی قرآن کریم است. خداوند متعال در قرآن می فرماید: یعنی اینکه خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا برجا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می کند و یا درآیه دیگری می فرماید: یعنی اینکه خداوند برای آنانکه کفران نعمت می کنند مثلی زده است؛ منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزی اش بطور وافر از هر مکانی فرا می رسیده اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند بخاطر اعمالی که انجام می دادند لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید(قرآن کریم) از آنجا که دین به کمال روح بشر می پردازد و نقش بسزایی در تکامل انسان و تقرب او بسوی حق تعالی دارد از این رو درک نادرست از دین و دینداری و نقش آن در حیات بشری سبب بی اعتمادی به امور مذهبی و سست شدن بنیادهای اخلاقی و کم رنگ شدن ارزش های دینی و در نتیجه موجب ضعف باورها و رفتار های دینی می گردد که زمینه بحران های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را پدید می آورد. روش دین در وضع قوانین فردی و اجتماعی روش تساهل و تسامح دینی است. از کارکردهای مهم دین جلوگیری از محرمات و تخلفات دینی می باشد. دین اسلام برای حفظ امنیت اجتماعی بامواردی چون فاصله طبقاتی و رشوه خواری و قمار و شراب و زنا و غیره که مفاسد فردی و اجتماعی و ناعدالتی را به همراه دارد مبارز می کند و احکام و قوانینی را برای هر یک از آنها صادر کرده است. دین اسلام هر گونه عملی که موجب ضرر رساندن و آزار به دیگران و آبروریزی و سلب امنیت و آسایش فردی و اجتماعی مردم شود را تحریم کرده است. و برای حفظ امنیت اجماعی مردم را به عدالت خواهی دعوت کرده است. در هر

جامعه هر مقدار از عدالت تحقق یابد همان اندازه آسایش و امنیت در میان مردم ظاهر می شود. ایمان و عمل صالح و نماز و تقوا و رعایت حجاب در مرد و زن و امر به معروف و نهی از منکر از جمله عناصر مهم دین اسلام است و می توان آنها را به عنوان ابزاری کارآمد در حفظ نظم و امنیت اجتماعی بشمار آورد که در قرآن کریم نیز بدان ها تاکید شده است حکومت دین هم وظیفه دارد در تمامی عرصه های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بستری سالم برای کسب اندیشه های صحیح و عمل صالح ایجاد کند.

راهبردهای تحقق سبک زندگی دینی

ورود به فرآیند تعریف، ترسیم و ترویج سبک زندگی اسلامی نیازمند اتخاذ استراتژی و راهبردهای کلانی است که باید با دقت مورد توجه قرار گرفته و به درستی انتخاب شوند تا در میانه راه مجبور به عقب گرد نشویم:

الف) بازخوانی آموزه های اصیل اسلامی برای استنتاج الگوهای رفتاری متناسب با اقتضائات اجتماعی معاصر، نیازمند ورود حوزه های علمیه و دانش آموختگان آن و ایفای نقشی برجسته و پررنگ از سوی آنان می باشد. تعریف و تبیین دقیق شاخص های تمدن و جامعه مطلوب اسلامی و سبک زندگی زمینه ساز آن، تنها از عهده دین شناسانی بر می آید که بر فقه اهل بیت (ع) تکیه نموده و به شایستگی با علوم گوناگون دینی آشنا باشند. مسلمانان تنها زمانی می توانند یک زندگی آگاهانه داشته باشند و به فرموده قرآن در زمره > لینذر من کان حیا...< (یس/۷۰) قرار بگیرند که آگاهی عمیق تری درباره آموزه های اسلامی و الگوهای پیشنهادی آن برای سبک زندگی فردی و اجتماعی کسب نمایند و سپس برای تحقق این الگوها تلاش کنند. تنها در این صورت است که حیات دوباره و تمدن بالنده نصیب مسلمانان خواهد شد. ولی اگر پژوهشگر حوزه دین، تنها از تمدن و فرهنگ سکولار و مادی غرب انتقاد کرده و از گذشته فرهنگ و تمدن اسلامی تمجید نماید، راه به جایی نخواهیم برد و نمی توانیم دوباره تمدنی اسلامی را بنیان نهیم. ما باید این نکته را بپذیریم که از آموزه های اسلام و سبک زندگی اسلامی فاصله گرفته ایم و اکنون باید با یک چرخش فرهنگی و اجتماعی به اسلام و الگوهای مطلوب آن برای زندگی بازگردیم. هدف از این بازگشت، ساختن یک تمدن نوین اسلامی بر اساس فرهنگ اصیل اسلامی و با استفاده از همه تجربه های مباح بشری است؛ و البته بازخوانی آموزه های دینی برای تعریف و ارائه سبک زندگی متناسب با نیازهای زمانه، بدان معنا نیست که مفاهیم اسلامی را از جوهره آن تهی سازیم؛ بلکه باید مفاهیم به گونه ای تحلیل شوند که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع گردد؛ و خلاقیت و اصول گرایی در هم آمیزد.

ب) آینده نگری و توجه به پیامدهای رفتار، یکی از توصیه های مهم در آموزه های اسلامی است که می تواند چارچوبی برای سبک زندگی اسلامی و نقشه راهی برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد. دین اسلام علاوه بر نوید آینده ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای ایجاد جامعه ای مستلزم احراز، «انتظار» مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است. توجه ویژه آموزه های شیعی به مسئله شرایط و شاخص هایی است که نشانگر برخی مراتب حداقلی در جامعه مطلوب اسلامی به شمار می رود. پس شکوه و عظمتی که در روایات متعدد اسلامی برای جامعه و حکومت مهدوی ترسیم گردیده، نمی تواند تنها برای ارائه دورنمایی از انگاره آخرالزمان باشد؛ بلکه مخاطب آن، تمام مسلمانان و چه بسا همه انسان ها در تمامی قرون و اعصار است تا با الگوگیری از آن جامعه آرمانی و موعود، تمدنی شایسته و بایسته را برای جوامع معاصر خود، پی ریزی نمایند. با تکیه بر مفروضاتی مانند: فرآیندی بودن شکل گیری جامعه آرمانی اسلام و تأکید اسلام بر اختیار و نقش انسان ها و جوامع در روند شکل گیری جامعه مطلوب، می توان گفت جامعه مطلوب اسلامی دارای مراتب تشکیکی بوده و در هر عصری با توجه به اقتضات زمانی و مکانی، برخی از ویژگی های مورد نظر اسلام درباره جامعه مطلوب انسانی، قابلیت تحقق دارد؛ اما نکته اساسی و مهم آن است که جامعه اسلامی همواره بکوشد تا حرکتش، حرکتی تکاملی و رو به رشد بوده و همواره نوعی آینده پژوهی دینی را مد نظر قرار دهد که در تعیین ارزش ها و هنجارهای جامعه موجود و نیز جهت دادن به نحوه کنش های اجتماعی اثرگذار باشد. مراد از آینده پژوهی دینی، کشف آینده و ساختن آن بر اساس انگاره ها و گزاره های دینی است که تلفیقی از آینده پژوهی قدسی و آینده پژوهی عرفی است. منظور ما از آینده پژوهی قدسی، تمام آن چیزی است که در سطوح کلان آینده نگری دینی مطرح گردیده و چشم اندازی روشن از فرجام جامعه بشری و دورنمایی شفاف از فرجام هستی ارائه می دهد و ما را به هوشیاری بیشتر و فاعلیت مؤثرتر برای ساختن جهانی عاری از نابرابری و ظلم و سرشار از صلح و عدالت و سعادت فرامی خواند؛ و منظور از آینده پژوهی عرفی نیز همان دانش آینده پژوهی رایج و متداول تجربی است که انتظارات حداقلی بشر را برآورده می سازد. در این راستا، می توان انتظارات عرفی جامعه را در قالب چشم اندازهای طراحی شده در محدوده های زمانی مختلف، به گونه ای تعریف نمود که همواره به صورت گام های پی در پی، برای نزدیک شدن به آرمان های بلند اسلامی باشد. پس آینده پژوهان دین باور، برای گام نخست باید چشم اندازی قدسی که مبتنی بر آموزه های برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومان باشد، بیافرینند و هم زمان تلاش نمایند تا از طریق ایجاد یک چارچوب نظری عملی، این چشم انداز قدسی را در نظام برنامه ریزی جامعه بگنجانند؛ و البته این امری است که در جوهر آموزه های شیعی نهفته است، اما مهم آن است که این آینده اندیشی که گاه در نیمه پنهان اذهان ما جای گرفته باید در زندگی ما ظهوری مؤثر پیدا کند.

نتیجه گیری

آموزه های آسمانی دین اسلام، همواره هویت و شخصیت انسان را در مرکز توجه خود قرار داده و با آماده سازی انسان از طریق تعریف معنای غایی زندگی و با القای حس تعلق به آن در قبال اجتماع مذهبی، به گونه چشم گیری در تعریف افراد از هویت فرهنگی خویش ایفای نقش می نماید. بر اساس هویتی که در پرتو دین به دست می آید انسان، بنده ای مخلوق و مسئول در برابر اعمال خود معرفی می شود و الگوهای را برای زیست بهتر انسان در این جهان تعریف و ارائه می کند که در چارچوب نظام معنایی توحیدی بوده و برخاسته از باورها و ارزش های اسلامی باشد. این سبک زندگی و الگوهای آن، نیازها و خواسته های انسان مسلمان و جامعه اسلامی را جهت دهی کرده و علاوه بر آن، شیوه های برآوردن این نیازها را نیز تعریف و تبیین می کند. مبنا قرار دادن الگوهای این سبک زندگی از سوی جامعه اسلامی، متضمن انتخاب و استفاده از ابزارها و امکاناتی است که متناسب با این الگوها باشد. پس یک جامعه دین مدار به صورت کاملاً خودخواسته، تمدن خود را به گونه ای پی ریزی می کند که او را در مسیر سعادت جاودان و در آرامش و امنیت مطلوب قرار دهد. بدین ترتیب، حتی اگر برخی از مظاهر تمدنی مانند توجه به رفاه و آسایش اجتماعی در ظاهر یکسان باشد، عقبه معرفتی آن کاملاً متفاوت خواهد بود. بنابراین جامعه اسلامی و با داشتن سبک زندگی اسلامی در تمامی ابعاد قطعاً خواهد توانست امنیت و نظم را در جامعه و محیط اجتماعی خود محقق سازد. البته این موضوع منوط به اجرای صحیح آموزه ه و توصیه های دینی است.

پیشنهادات

با اولویت قرار دادن نوجوان ها و جوان ها بتوان الگو رفتاری مناسبی برای آنها قرار داد و برای جوان ها بتوان زمینه پیشرفت را بوجود آورد.

منابع

- ۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵ ۱۸/۱۰/۱۳۵۷
- ۲- آیت الله خامنه ای ۸۲/۷/۲
- ۳- احمد حسین شریفی و همکاران، (۱۳۹۱)؛ سبک زندگی اسلامی، ناشر: قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، دفتر نشر معارف
- ۴- حسن چاوشیان و یوسف ابادری، (۱۳۸۱)؛ از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰
- ۵- رسول ربانی و یاسر رستگار، (۱۳۸۷)؛ سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، مجله مهندسی فرهنگی، ۲۳ و ۲۴
- ۶- و ۹۰/۵/۴ سایت هممه، pichak.net مصطفی قاسمی پاکرو،
- ۷- شهناز شوشتری زاده، بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه کننده به بیمارستانهای منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، (پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۸۲)
- ۸- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)؛ مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق
- ۹- فیست، جس و فیست، گریگوری جی، (۱۳۸۶)؛ نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر روان
- ۱۰- کاویانی، محمد. (۱۳۹۰)؛ کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، روانشناسی و دین، سال چهارم، شماره دوم، تابستان
- ۱۱- محمد سعید مهدوی کنی، (۱۳۸۷)؛ دین و سبک زندگی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم
- ۱۲- ناهید خوشنویس، (۱۳۸۹)؛ رسانه و سبک زندگی، ماهنامه روابط عمومی ایران، شماره ۷۳